

تقدم بعد توحیدی و اعتقادی الگوی عدالت و پیشرفت

بهرام اخوان کاظمی^۱

چکیده:

وجه تمایز الگوی عدالت و پیشرفت اسلامی، برخورداری از زیربنا و جهت گیری توحیدی و تقدم این بُعد بر سایر ابعاد است. بنا به آموزه های قرآنی؛ پیشرفت واقعی و مبنایی در توحید و یکتا پرستی است و هر گونه ارتقا و رشدی در زندگی دنیایی و حیات اخروی، محصول و نتیجه اعتقاد به وحدانیت الهی و برخورداری از حیات طیبه مؤمنانه و توحیدی است از سوی دیگر توحید و ایمان به وحدانیت الهی، عالی ترین مصداق عدالت می باشد و شرک و کفر ورزی به خدای متعال به عنوان بزرگترین ستمکاری دانسته شده است. بدین ترتیب، اصلی ترین و مبنایی ترین شاخصه ی جامعه پیشرفته و متعالی اسلامی، برقراری عدالت و محو ستم و ستمکاری در بستری توحیدی است و این مفروض، بیانگر تعامل توحیدی عدالت و پیشرفت می باشد.

می توان استنتاج نمود که کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی، علوی و مهدوی، پیش از آن که اقتصادی و معیشتی باشد، اعتقادی، عقلانی و تربیتی است یعنی اجرای عدالت، کلیه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی ها و نبود اعتدال ها را اصلاح می کند بنابراین این در خط مقدم این فرایند عدالت ورزی و معتدل سازی، اصلاح انحرافات عقیدتی و سپس اخلاقی قرار دارد و بواسطه این اصلاح و از برآیند آن، اصلاحات اقتصادی و نظام توزیعی عادلانه و ایفای سایر استحقاق های اجتماعی و سیاسی صورت می پذیرد.

بیشتر مکاتب و نظام های سیاسی به موضوع عدالت و پیشرفت توجه داشته اند؛ به عنوان نمونه نظام های لیبرالیستی تحقق این دو هدف را با تعدیل قدرت و نظام های مارکسیستی با تعدیل ثروت دنبال نموده اند اما وجه تمایز الگوی عدالت و پیشرفت اسلامی، برخورداری از زیربنا و جهت گیری توحیدی و تقدم این بُعد بر سایر ابعاد است.

بنا به آموزه های قرآنی؛ پیشرفت واقعی و مبنایی در توحید و یکتا پرستی است و هر گونه ارتقا و رشدی در زندگی دنیایی و حیات اخروی، محصول و نتیجه اعتقاد به وحدانیت الهی و برخورداری از حیات طیبه مؤمنانه و توحیدی است از سوی دیگر توحید و ایمان به وحدانیت الهی عالی ترین مصداق عدالت می باشد و شرک و

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
kazemi@shirazu.ac.ir

کفر ورزی به خدای متعال به عنوان بزرگترین ستمکاری دانسته شده است، و مبنای هر گونه پسرقت و حرکت قهقرایی انسانها و جوامع انسانی به حساب می آید. به تبع آن، می توان این عاقبت را برای هر گونه ستم ورزی متصور شد. در حقیقت ظلم اصلی نشناختن حق عبودیت الهی است و عدل اصلی بجای آوردن عبادت خدا و عدم شرک به اوست و می توان اینگونه نتیجه گرفت که هر گونه رشد، و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی در گرو توحید و عبودیت خالص الهی است و توحید خواهی هم در گرو عدالت خواهی و نفی ستم و شرک است و آیات الهی، بهترین شاهد بر این مدعا است.^۱ پس بوضوح می توان نتیجه گرفت که اصلی ترین و مبنایی ترین شاخصه ی جامعه پیشرفته و متعالی اسلامی، برقراری عدالت و محو ستم و ستمکاری در بستری توحیدی است و این مفروض، بیانگر تعامل توحیدی عدالت و پیشرفت می باشد.

می توان استنتاج نمود که کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی، علوی و مهدوی، پیش از آن که اقتصادی و معیشتی باشد، اعتقادی، عقلانی و تربیتی است یعنی اجرای عدالت، کلیه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی ها و نبود اعتدال ها را اصلاح می کند بنابراین این در خط مقدم این فرایند عدالت ورزی و معتدل سازی، اصلاح انحرافات عقیدتی و سپس اخلاقی قرار دارد و بواسطه این اصلاح و از برآیند آن، اصلاحات اقتصادی و نظام توزیعی عادلانه و ایفای سایر استحقاق های اجتماعی و سیاسی صورت می پذیرد. البته معنا کاوی واژه عدالت نیز مؤید این ادعا است.

باید افزود کلمه عدل را معمولاً با چند معنی و کاربرد در اندیشه های اسلامی یاد می کنند که عبارت اند از: راستی، درستی، راست ایستادن، راست نمودن یا راست و درست قرار گرفتن و نشستن، اصلاح کردن و یا ایجاد تغییر، برگشتن از یک مسیر غلط به مسیر صحیح دیگر، داد، مثل، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، قرار دادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار، رعایت استحقاق ها در افاضه ی وجود توسط خدای متعال.

از سوی دیگر، «اعتدال» واجد معنای راستی، میانه روی، راست شدن، صاف شدن است همچنین مترادف های متعددی مانند ظلم، طغیان، میل، انحراف، برای جور وجود دارد

«ابن منظور» در «لسان العرب» در باب مفهوم عدل بیان می دارد که آن چه که در نفوس انسانی، مایه ی اعتدال و مرتبی و استقامت و انتظام می شود، عدالت است و چنین انسانی مستقیم و راست و درست است.^۲ متضاد آن جور است. جور در این جا معایر راستی و درستی و اعتدال بوده و به معنی انحراف است. از منظر وی، ظلم در لغت به معنی تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می آید و همچنین به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب» می باشد.^۳ به تعبیر راغب، «ظلم تجاوز از حق را گویند، چه این تجاوز کم باشد چه زیاد. لذا در گناه بزرگ و کوچک هر دو به کار می رود.^۴ بدین ترتیب تحقق عدالت و رفع جور و ستم در معنای مطلق آن، مساوی با محو همه انحرافات، از جمله شرک، کفر، گناه، امیال نفسانی، و یاغی گری های فردی و اجتماعی است اما در تبیین مفهوم پیشرفت باید گفت معمولاً برای در زبان عربی، برای بیان واژه پیشرفت، از کلماتی مانند: تقدّم، ترقی، ارتقاء، تطوّر، نمو، استفاده می شود. اما کلماتی مانند ارتقاء،^۵ تطوّر، نمو، در قرآن نیامده اند^۶ همچنین کلمه: تقدّم^۷؛ یکبار و آنهم به معنای «آینده» و کلمه: تقدّموا؛^۸ بار،^۹ در معنای «پیش فرستادن» به کار رفته است. به نظر می رسد که یکی از بهترین واژه های قرآنی برای بیان کلمه پیشرفت، واژه: «علو» و واژگان هم خانواده ای مانند: تعالی، متعال، به معنای: والایی، بلند و بزرگ مرتبه ایی باشد. این صفت در بسامد بسیار بالایی برای توصیف و تنزیه خداوند در قرآن به کار رفته است^{۱۰} زیرا که خداوند متعال، نهایت تعالی، والامرتبه ایی، علو، پیشرفت، تکامل و نورانیت است و به همین دلیل باید مقصد هر گونه حرکت، تکاملی و تعالی جویانه باشد و در حقیقت این گمانه مؤید فرضیه این نوشتار است که پیشرفت اصلی در توحید و حیات طیبه و مؤمنانه بوده و عدالت خواهی و ظلم ستیزی در مرحله اول می بایستی به توحید و ایمان به وحدانیت الهی و نفی هر گونه

کفر و شرک بیانجامد. همان گونه که امام علی (ع) در باره نابودی فساد اخلاقی و کلیه انحرافات در عصر ظهور فرموده اند: «خداوند در در آخر الزمان مردی را بر می انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد»^۱

امام خمینی (ره) هم ضمن بیان عدم توفیق کلیه پیامبران (ص) در اجرای هدف اصلی عدالت و اصلاح و تربیت ابناء بشر، در فراز بسیار زیبا و بلیغ، تحقق این کارویژه توحیدی، اعتقادی، تربیتی و اصلاح گرایانه، مطلق و موسع از عدالت را توسط امام عصر (ع) چنین تبیین فرموده اند:

«... آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان... وقتی که ایشان ظهور کنند تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجیها را راست می کند: يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست... تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافاتی هست و لو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجیها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال... از این جهت، این عید، عید تمام بشر است... تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می دارند به همان معنای مطلقش.»^۲

در استنتاجی نهایی باید گفت که کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی، علوی و مهدوی، در حله اول و در مبنا و اساسی توحیدی و اعتقادی است یعنی اجرای عدالت کلیه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی ها و نبود اعتدالها را در حوزه انحرافات غیر توحیدی و اعتقادی اصلاح می کند و بر مبنای این اصلاح و تعدیل اعتقادی و ایمانی، تعدیل اقتصادی، اجتماعی سیاسی صورت می گیرد و در حقیقت هرگونه اجرای عدالت در ابعاد فرعی یاد شده الزاماً به صورت پسینی و متعاقب تحقق عدالت در عرصه توحیدی و مبتنی بر آن باید باشد و این همان تحقق مطلق و موسع عدالت بوده و ضامن تعالی و پیشرفت واقعی که همان حیات طیبه هست خواهد بود و می توان اذعان نمود که وجه تمایز اصلی الگوی عدالت و پیشرفت اسلامی با نمونه های غربی و غیر اسلامی آن، زیرساخت و جهت گیری الهی و تقدم بُعد توحیدی آن است.

منابع

(Endnotes)

- ۱ - برای اطلاع بیشتر و دیدن مستندات این ادعا رک به: بهرام اخوان کاظمی، «تعاملات عدالت و پیشرفت در آموزه های قرآنی»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۲۱-۵۷.
- ۲ - العدل: ما قام فی النفوس انه مستقیم و هو ضد الجور. العلامه ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، المجلد التاسع، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م، ص ۸۳.
- ۳ - همان، ج ۱۲، ص ۳۷۳.
- ۴ - العلامه الراغب الاصفهانی، «معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۲ هـ ۱۹۷۲ م، ص ۳۲۶.
- ۵ - البتة از ثلاثی مجرد «رفی»، در ۴ آیه، مشتقات و کلمات: راق، لریک، التراقی، ترقی، فلیرتقوا آمده است که دو مورد اخیر به معنای «بالا رفتن» است.
- ۶ - رک به: بروحانی، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ ماری کلمات قرآن کریم)، ج ۲ و ۳، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- ۷ - رک به: فتح، ۲.
- ۸ - رک به: بقره، ۱۱۰؛ حجرات، ۱؛ مجادله، ۱۳؛ مزمل، ۲۰.

- ۹ برخی از این آیات عبارتند از: «و هو العلی العظیم»، بقره، ۲۵۵؛ «سبحانه و تعالی عما یقولون کبیرا»، اسراء، ۴۳؛ «تعالی عما یشرکون»، نحل، ۳؛ «عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال»، زمر، ۹؛ «فتعالی الله الملک الحق»، طه، ۱۱۴.
- ۱۰ - ۵ یبعث الله رجلا فی آخر الزمان... و لا یبقی طلیح ال صلح، انباء الهدی، ج ۳، ص ۵۲۴.
- ۱۱ - صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۸۰-۴۸۲